

به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آنها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.»

کشف رابطه = فقیه کسی است که با مطالعه دقیق منابع اسلامی به مرحله ای از تخصص در دین رسیده است و می تواند احکام اسلام را به دست آورد و برای مردم بیان کند.

امام عصر (عج) در مورد رویدادهای جدید در عصر غیبت و راه حل آنان چنین می فرماید: «وَ اَنَا الْخَوَاتُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا اِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَانْهَمُ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ اَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (و در مورد رویدادهای زمان به راویان حدیث ما رجوع کنید. که آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنها می باشم).

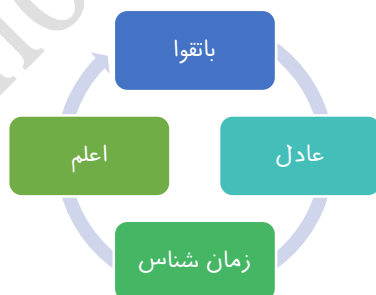
کشف رابطه = فقیه باید بتواند احکام مسائل و رویدادهای جدید را نیز که در زمان پیامبر اکرم (ص) و امامان اتفاق نیفتاده است به دست آورد.

این روایات بیانگر آن است که مسلمانان در غیبت امام، نه تنها در احکام و مسائل فردی، بلکه در مسائل اجتماعی هم، باید به فقیه مراجعه کنند. روشن است که انجام چنین وظیفه ای، جز با نفی حاکمان طاغوت و تشکیل حکومت اسلامی به رهبری فقیه میسر نیست. در دوره غیبت، بنا به فرمان امام زمان و به نیابت از ایشان، فقیهان واجد شرایط، دو مسئولیت مرجعیت دینی و ولایت ظاهری را برعهده دارند.

تقلید: گروهی از فقیهان، احکام و قوانین دین را در اختیار مردم قرار می دهند. کسانی که در احکام دین متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه می کنند و احکام دین را از آنان می آموزند. این مراجعه را پیروی یا تقلید می گویند. این مراجعه، یک روش رایج عقلی است؛ یعنی انسان در امری که تخصص و مهارت ندارد، به متخصص آن مراجعه می کند. پس، تقلید در احکام، به معنای رجوع به متخصص دین است. چنین فقیه‌ای را نیز مرجع تقلید می نامند. (مرجعیت دینی در عصر غیبت)

ولی فقیه: همچنین از میان فقیهان کسی که توانایی سرپرستی و ولایت جامعه را دارد، عهده دار حکومت می شود و قوانین الهی را در جامعه به اجرا درمی آورد. فقیه‌ای که این مسئولیت را برعهده می گیرد، ولی فقیه می گویند. (ولایت ظاهری در عصر غیبت)

شرایط مرجع تقلید



راه های شناخت مرجع تقلید

۱- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتواند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهد، بپرسیم.

ائمه اطهار به عنوان حجت های خدا در روی زمین، مسئولیت های پیامبر (ص) را برعهده گرفتند و در همین راستا، به ارشاد و هدایت مردم برخاستند و برای برپایی حکومت الهی و اقامه قسط و عدل، جهاد و مبارزه کردند.

تدبر

«وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً، فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ، لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (و نمی شود که مؤمنان، همگی اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آن گاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند).

مفاهیم: قرآن کریم دستور کسب فهم عمیق در دین را برای عده ای می دهد - فهم عمیق دین واجب کفایی است (وظیفه همگان نیست) - فقط کسانی می توانند اقدام به تبلیغ دین نمایند که دانش عمیق در دین داشته باشند - آموختن دین در هر دوره ای لازم و ضروری است - این هشدار مربوط به انجام واجبات و پرهیز از محرمات است.

ضرورت تداوم مسئولیت های امام در عصر غیبت

از آنجا که دین اسلام همیشگی و برای همه دوران هاست، ضروری است که این دو مسئولیت یعنی مرجعیت دینی و ولایت ظاهری در عصر غیبت ادامه یابد؛ زیرا: ۱- اگر مرجعیت دینی ادامه نیابد، یعنی تخصصی نباشد که احکام دین را بداند و برای مردم بیان کند و پاسخگوی مسائل جدید مطابق با احکام دین نباشد، مردم با وظایف خود آشنا نمی شوند و نمی توانند به آن وظایف عمل کنند. ۲- اگر ولایت ظاهری ادامه نیابد و حکومت اسلامی تشکیل نشود، نمی توان احکام اجتماعی اسلام را که نیازمند مدیریت و پشتوانه حکومتی است، در جامعه به اجرا درآورد.

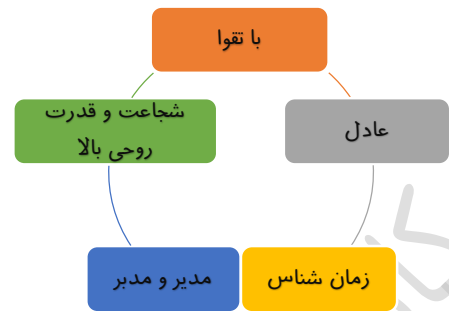
راهکار پیامبر و امامان برای عصر غیبت

در همان زمان ائمه، مردمانی در شهرهای دوردست بودند که به امامان دسترسی نداشتند و به همین دلیل آن بزرگواران دانشمندانی را تربیت می کردند که به نقاط مختلف شهر خود و یا شهرهای دیگر می رفتند و احکام اسلام را به مردم می آموختند. این روش، برگرفته از قرآن کریم است. خداوند در قرآن کریم دستور می دهد گروهی از مردم، وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به تفقه در آن بپردازند تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند. تفقه، به معنای تلاش برای کسب معرفت عمیق است. افرادی که به معرفت عمیق در دین می رسند و می توانند قوانین و احکام اسلام را از قرآن و روایات به دست آورند، فقیه نامیده می شوند. لزوم مراجعه به فقیهان بر اساس احادیث اهل بیت (ع):

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است؛ زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی، حکم و نظر امام را نمی داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگران را که

۲- یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.

شرایط ولی فقیه



مشروعیت ولی فقیه: حکومت و رهبری فقیه‌ای که شرایط فوق را دارد، مشروع است؛ یعنی دین به او اجازه رهبری مردم را داده است. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.

مقبولیت ولی فقیه: علاوه بر این، ولی فقیه باید از جانب مردم پذیرفته شده باشد تا بتواند کشور را اداره کند و به پیش ببرد. یعنی، فقیه باید نزد مردم جامعه خود مقبولیت داشته باشد.

پس تشکیل نظام و حکومت اسلامی، بر دو پایه مشروعیت و مقبولیت استوار است.

چگونگی انتخاب ولی فقیه

ولی فقیه، بیان کننده قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد؛ زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان پذیر است؛ در غیر این صورت، هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می آید. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به صورت دسته جمعی اقدام کنند و فقیه‌ای را که شرایط رهبری دارد، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به وی بسپارند.

مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راه پیمایی های سراسری، رهبری امام خمینی را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند. اکنون نیز بنا بر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می کنند و آن خبرگان نیز از میان فقها آن کسی را که برای رهبری شایسته تر تشخیص دهند، به جامعه اعلام می کنند. بر این مبنا بود که پس از رحلت امام خمینی حضرت آیت الله خامنه ای مسئولیت رهبری جامعه را برعهده گرفتند. فقیه‌ای تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط ذکر شده را داشته باشد. تشخیص این امر نیز بر عهده مجلس خبرگان است.

وظایف رهبر اسلامی بر اساس قرآن و روایات



مردم و رهبری

رهبر جامعه اسلامی، رهبری کسانی را برعهده دارد که می خواهند در سایه قوانین اسلام به رستگاری برسند. در نظام و حکومت اسلامی، مشارکت و همراهی مردم پایه و اساس پیشرفت است و بدون حضور و مشارکت آنان، حکومت اسلامی دستاوردی نخواهد داشت.



وظیفه کارگزاران

کارگزاران، همان مدیران و مسئولان جامعه اند که امروزه امور سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه را برعهده دارند؛ در واقع، کارگزاران یاران و کمک کنندگان به رهبرند و خادمان ملت. اگر کارگزاران جامعه، وظیفه خود را به درستی بشناسند و هم به درستی اجرا کنند، اعتماد مردم به حکومت، روز به روز افزایش می یابد. همچنین عملکرد غلط کارگزاران، سبب افزایش و انباشته شدن مشکلات و ناکارآمدی حکومت خواهد شد.

امیرالمؤمنین علی(ع) در زمان حکومت خود، وقتی که مالک اشتر نخعی را والی و استاندار سرزمین مصر کرد، دستورالعملی برای او نوشت و در این نامه، وقتی وظیفه ای را بیان می کند، علت آن را هم برای مالک توضیح می دهد.

وظایف کارگزار در عهدنامه مالک اشتر

دوستی و مهربانی با شهروندان	کسب رضایت مردم
دوری از عیب جوین	دوری از سخن چینان
مشورت نکردن با ترسو	متفاوت دیدن نیکوکار و بدکار
انتخاب افرادی برای تحقیق از وضعیت جامعه	غافل نبودن از پیمان شکنی دشمن